

## بررسی نقش گنبد در شکل دهی به مرکزیت معماری مسجد

تاریخ دریافت: ۹۰/۲/۱۰  
تاریخ پذیرش نهایی: ۹۰/۸/۳

محمد رضا بمانیان\* - سونیا سیلوا به\*\*

### چکیده

گوهر وحدت در معماری اسلامی ایران، حاصل پویایی و بالندگی اکسیری است که هستی همه هست‌ها از اوست. توحید نخستین اصل معماری اسلامی به شمار آمده و از جمله ویژگی‌های آن وحدت است. ایجاد مرکزیت در بنا از جمله راهکارها برای تحقق وحدت در معماری است. از عناصر مؤثر در شکل‌گیری مساجد در دوران مختلف که تحت تأثیر مفهوم توحید قرار گرفته، گنبد است؛ این عنصر با نقش بارز خود در زمینه شکل‌دهی مفهومی و نمادین به ایجاد مرکزیت در بنای مساجد، بیانگر آن است که وظیفه خود را به خوبی می‌تواند به منصفه بروز برساند. اهمیت معنوی فضای خلاء در گنبدخانه مساجد یکی از پیامدهای رابطه عمیق و دقیق معنویت و مبانی متافیزیکی اسلام و معماری اسلامی است. برای معماری اسلامی (اگرچه این تنها ثمره اصل توحید نیست) خلاء، سمبل یا نشانه‌ای است که استعلا و حضور خداوند را نمایانگر است. در مقاله حاضر، با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از ابزار کتابخانه‌ای به تجزیه و تحلیل موضوع پرداخته شده است. بدین منظور ضمن بررسی موضوع نقش توحید در معماری اسلامی به‌عنوان یکی از شاخص‌های مطرح در آثار مسلمانان به شکل نظری، به صورت عملی نیز نقش معماری گنبد در شکل‌دهی به مرکزیت معماری در یک مسجد به‌صورت خاص (مسجد شیخ لطف الله) مورد بررسی قرار گرفته و سپس شاخص‌های در نظر گرفته شده، بر روی چند مسجد دیگر مورد ارزیابی قرار داده شده است. دستاوردهای حاصله از بررسی صورت گرفته نشان دهنده آن است که توحید در معماری بناها و به خصوص مسجد مؤثر بوده و از طرفی با تعیین شاخص‌هایی مانند درونگرایی، دایره، تقارن نقطه‌ای، محور عمودی و شکل هندسی کره و ارزیابی آن‌ها به این نتیجه می‌رسیم که گنبد نیز در شکل دهی به مرکزیت معماری مسجد تأثیرگذار است.

**واژگان کلیدی:** معماری اسلامی، توحید، معماری گنبد، مرکزیت، بنای مسجد.

\* دانشیار معماری، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

## مقدمه

اسلام دینی آسمانی و الهی است که از طرف خداوند یکتا برای هدایت انسان‌ها در نظر گرفته شده است؛ هر فرد مسلمانی آگاه است که توحید اساسی‌ترین پایه دین اسلام است. معمار (مسلمان) نیز این عقیده را در اعتقاد ذهنی خود دارد و بر این باور است که سرچشمه معماری اسلامی نیز توحید است؛ خصوصاً اگر شکل‌گیری بنای شاخصی در معماری مانند مسجد مطرح باشد. فضایی قدسی که جایگاه عبادت مسلمانان و زنده‌کردن اعتقاداتشان به خداست؛ در این جاست که اهمیت توحید پررنگ‌تر می‌شود و در این وادی مساله‌ای که خودنمایی می‌کند چگونگی تبدیل شدن آن به یک عامل قابل حس و لمس است.

در گستره فرهنگی پس از اسلام، هنرمندان مسلمان برای انتظام دادن به فضاهای خود از معماری بهره جستند و سعی نمودند مکان‌هایی را به وجود آورند که کلام خداوند در آن‌ها منعکس شود و انسان با قرارگیری در آن فضاهای قدسی که متناسب و هماهنگ با نیازها و ابعاد انسانی او است از فضای مادی به بعد مابعدالطبیعی خود عروج کند؛ معماران مسلمان در این دوره ضمن بهره‌گیری از معماری موجود، شالوده‌های معماری مسلمانان را در ترکیبی از معماری گذشته و فرهنگ اسلامی شکل دادند (Bemanian, 2007, p. 37). یکی از عناصر مؤثر در شکل‌گیری مساجد در دوران مختلف که تحت تاثیر مفهوم توحید قرار گرفته، گنبد است؛ این عنصر با نقش بارز خود در زمینه شکل‌دهی مفهومی و نمادین به ایجاد مرکزیت در بنای مساجد، وظیفه خود را به خوبی ایفاء نموده است. در رابطه با ضرورت موضوع باید عنوان کرد که اگر این عامل را در نظر نگیریم و به بیانی دیگر بنا را بدون توجه به شاخص‌های اعتقادی برپا سازیم، تفاوتی میان معماری یک فرد مسلمان و غیرمسلمان وجود ندارد. یعنی هر دو نوع معماری تنها از یک سری اصول و قواعد تبعیت می‌کنند؛ در صورتی که این امر مغایر با منش مورد انتظار مکتب اسلام از معمار مسلمان است. موضوع مطرح شده در اسلام این است که باید تمام عناصر (موجودات جاندار و بی‌جان و در یک کلام کل کائنات هستی) همواره ما را به یاد خدا بیندازند. معماری نیز باید در مقام خود این نقش را (زنده‌کردن یاد خداوند) ایفاء نماید. در صورت مغایرت با این امر است که ارزش‌های موجود در معماری به زیر سوال خواهد رفت.

هدف از بررسی موضوع مقاله حاضر با استناد به اهمیت توحید در اسلام، دریافت و فهم کیفیت و چگونگی تأثیر این مهم در معماری اسلامی به عنوان هدف اصلی و به صورت نمونه موردی در نقش گنبد در شکل‌دهی به مرکزیت در مساجد است. سوالاتی که در رابطه با این موضوع مطرح می‌شود، عبارتند از:

۱. آیا توحید در بناهای معماری اسلامی (در اینجا با معماری خاص مسجد) نقشی را ایفا می‌کند و یا به عبارتی تأثیری در معماری دارد؟

۲. با در نظر گرفتن مسجد و توجه به عامل توحید، نقش معماری گنبد مساجد در شکل‌دهی به مرکزیت چگونه است؟ پژوهش حاضر سعی در شناخت اهمیت توحید و بررسی نقش آن در معماری بنای مساجد و شناخت شاخص‌های مرکزیت‌دهندگی گنبد را دارد. روش تحقیق، تحلیلی-توصیفی و ابزار مورد استفاده تحقیق نیز از روش کتابخانه‌ای به همراه مطالعات میدانی است. بدین منظور در بخش نظری با استفاده از روش مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی اسناد و مدارک مکتوب استفاده شده و ضمن مراجعه به منابع و مآخذ موجود در دسترس و مطرح نمودن دیدگاه‌های مختلف سعی شده تمام وجوه ممکن مسئله مورد توجه قرار داده شده است. در بخش مطالعه موردی نیز براساس متغیرهای بدست آمده در مطالعات نظری که مشخص شده‌اند، این شاخص‌ها مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است. عمده کار بررسی از طریق مشاهده عینی صورت پذیرفته است؛ در واقع در تحقیق حاضر بر اساس یک روش بررسی منطقی و با تکنیکی تحلیلی و همچنین انجام توصیف و تحلیل نسبت به دستیابی به اهداف تحقیق اقدام شده است (Groat & Wang, 2002). جهت نیل به این هدف از یک روش منطقی-تحلیلی را برای رسیدن به مقصود اصلی بهره‌گیری شده است. بدین منظور روش کلی استنتاج بر پایه تجزیه و تحلیل آراء و نظرات تنی چند از اندیشمندان است که در نهایت در بین آن‌ها شاخص‌هایی انتخاب می‌شود (در این روند هدف مشخص کردن درجه اعتبار علمی شاخص‌ها است). در آخرین مرحله این شاخص‌ها را با تجزیه و تحلیل عملی (یعنی نمودار و بررسی‌های عمیق‌تر) مورد بررسی قرار گرفته است. هدف به یقین رسیدن درباره مرکزیت‌دهندگی گنبد تحت شاخص‌ها است.

بدین منظور در ابتدا به موضوع دیدگاه توحیدی در معماری اسلامی پرداخته شده است. سپس به تعیین شاخص‌های شکل‌دهنده به مرکزیت در گنبد مساجد پرداخته شده است. در ادامه شاخص‌های مذکور در یک مسجد خاص (شیخ لطف‌الله) مورد بررسی قرار گرفته است و با بررسی‌هایی به اهمیت این شاخص‌ها در شکل‌دهی به مرکزیت پی می‌بریم و در نهایت همان شاخص‌ها در چند مسجد دیگر در یک جدولی ارزیابی و تحلیل می‌شود که می‌توان به نقش گنبد در شکل‌دهی به مرکزیت پی برد.

## ۲. دیدگاه توحیدی در معماری اسلامی

اسلام در بطن خود متونی دارد که برای هدایت هر فردی در نظر گرفته شده است. این متون از طریق وحی به پیامبر(ص) برای مردم فرستاده می‌شد که همه مسلمانان معتقدند که تمامی آن در قرآن (کتاب مقدس مسلمانان) که تحریف نشده، نهفته است.

شریعت‌مداری معتقد است که با مطالعه‌ای در آیات قرآن در باب توحید سه اصل را برای آن می‌توان برشمرد: عدم مشابَهت خداوند تعالی با دیگر موجودات، میرا بودن خداوند از هر نقص، توفیقیت اسماء و صفات الهی (Shariatmadari, 2005, pp. 4-54).

اصل اول (عدم مشابَهت) تعبیری دیگر از توحید خدا است که مطلق و حقیقی است و با یگانه بودن برخی از آفریدگان در بعضی از ویژگی‌ها تفاوت دارد. براساس اصل دوم، میرا بودن خداوند از هر نقص و عیب، اصلی فطری است که انسان به محض شنیدن، آن را سازگار با فطرت خود می‌یابد. اصل سوم، انسان را از بیان صفات و اسماء الهی براساس عقل و درک خود باز می‌دارد.

برخی از پژوهشگران مسأله منشاء هنر اسلامی و سرشت نیروها و اصولی را که موجد این هنر بوده است را به جهان‌بینی اسلام و وحی اسلامی ربط می‌دهند که یکی از جلوه‌های آن بی‌واسطه، هنر قدسی اسلام و با واسطه هنر اسلامی در کلیت خویش است. افزون بر آن، ارتباط ارگانیک میان هنر و پرستش اسلامی میان تفکر و تعمق درباره خداوند به صورتی که در قرآن توصیه شده و سرشت تفکر آمیز این هنر بین ذکر الله که هدف غایی تمام اعمال و شعائر مذهبی در اسلام است و نقشی که هنرهای تجسمی و شنیداری در زندگی هر مسلمان به‌طور خاص و امت اسلامی به‌طور عام ایفا می‌کند؛ موید رابطه علی میان وحی و هنر اسلامی است. اگر این هنر به نزدیک‌ترین وجه ممکن با صورت و معنای دین اسلام پیوند نداشت هرگز نمی‌توانست از عهده انجام این وظیفه معنوی برآید.

معماری اسلامی برگرفته از زبان قرآن است و عمق و غنای تمدن اسلام را با بهره‌گیری از روح معنویت نشان می‌دهد. این امر به گونه‌ای است که اعتقاد به توحید و ایمان به تعالیم اسلام به عنوان اندیشه زیبایی‌شناسی دین اسلام در معماری اسلامی تجلی می‌یابد. آنچه آثار معماری اسلامی را با تمام گونه‌گونی‌ها در یک مجموعه در کنار یکدیگر تعریف می‌کند اصلی پنهان است که به ودیعه نهاده شده که موجب می‌گردد بتوان آن‌ها را در کنار یکدیگر به عنوان اعضای یک خانواده بازبانی کرد. این اصل همان وحدت است که سید حسین نصر از آن یاد می‌کند (Mahdavinejad, 2004, p. 59). معماری اسلامی ایران به مثابه کارآمدترین ابزار خلق فضا، نه تنها می‌تواند راهگشای معماران جوان این سرزمین باشد بلکه به سبب تکیه بر اصول و باورهای معنوی مردمان این سرزمین می‌تواند، در تعریف ژرف ساخت‌های نظری یک معماری اسلامی پیشرو مناسب برای نیازهای روزآمد مورد استفاده و بهره‌برداری قرارگیرد. بدیهی است که ترسیم افق‌های جدیدی برای معماران اسلامی ایران، تنها با تکیه بر اصل حکمت به مثابه پیشروترین اصل معماری اسلامی، امکان‌پذیر خواهد بود.

اصل حکمت جوهره اصلی تعریف معماری است و هر آینه می‌تواند به عنوان محک و سنجش درستی مسیر و راهبردهای انتخاب شده، برای معماری معاصر، به کار گرفته شود. حکمت معماری اسلامی ناظر بر این معناست که اگر انسان به سوی ادراک مفاهیم جاودان الهی حرکت نماید؛ یا کوشش کند آموزه‌های معنوی را در بناهای خویش مورد استفاده قرار دهد، به صورت ناخودآگاه تمامی نیازهای فیزیکی و مادی او نیز برطرف می‌شود. بنابراین یک معمار به جای آن که خود را درگیر خواست‌ها و نیازهای کالبدی بنا نماید، کافیست به پرسش‌های معنوی بنا پاسخ مناسبی دهد که همین پاسخ‌ها، در مرحله نخست، برطرف‌کننده نیازهای فیزیکی و عملکردی بنا خواهد بود.

هنرمندان و اندیشمندان مسلمان نیز اصل توحید را از پایه‌ای‌ترین اصول در موضوعات هنر و معماری اسامی برشمرده‌اند؛ از این نمونه است:

۱- محمد سهیل عمر از اندیشمندان مسلمان خدا محوری را اصل همه چیز دانسته و از توحید به عنوان نخستین اصل هنر اسلامی نام برده و معتقد است که در هنر اسلامی حقیقی باید انعکاس یگانگی الهی باشد. وی همچنین می‌افزاید: «هنگامی که وارد مسجدی می‌شویم حضور خاصی که در آن می‌یابیم حضور خلا است، یعنی فقدان نقطه‌ای که بتوان آن را مرکز حضور الهی دانست».

۲- سمیر صایغ یکی دیگر از معماران مسلمان نیز دعوت به توحید را مهم‌ترین موضوع در قلمرو هنری دانسته و می‌گوید: «مفهوم توحید ما را به تصویری از هنر، متفاوت با تصورات شناخته شده از هنرهای پیش از هنر اسلامی، نه در شیوه‌ها و تکنیک‌های هنری آن بلکه در معنی هنر و نقش آن و حوزه و هدف‌های آن هدایت می‌کند».

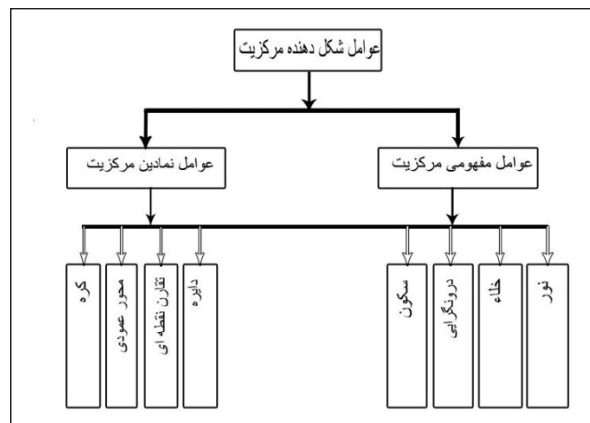
۳- اکبر تجویدی در رابطه با ویژگی‌های آثار هنر اسلامی معتقد است که ویژگی خاص همه هنرها از جمله معماری این است همه این‌ها از یک رشته اعتقاد است و از یک اعتقاد واحد سرچشمه گرفته که آن اعتقاد عبارت از باورهای آن هنرمندی بوده که به اسلام معتقد بوده و اسلام را دین خودش قرار داده و بازده آن عبارت از آن صفاتی بوده که در وی به صورت ملکه درآمده و بعد به صورت هنر تجلی پیدا کرده است (Bemanian, 2007, p. 2).

### ۳. شاخص‌های شکل دهنده به مرکزیت در گنبد مساجد

مسجد مرکز تجلی و محل تلاقی و در اصطلاح گنجینه و نمایشگاه انواع هنرهای اسلامی است. از جمله دلایل سازگاری اسلام با هنر، ملاقات این دو در مسجد است. در بنای بسیاری از مساجد، هنرهای مختلف به هم درآمیخته است. معماری در توازن اجزاء کوشیده، نقاشی به نقوش و الوان و کاشی‌ها توجه کرده است، خوشنویسی، الواح و کتیبه‌ها را جلوه بخشیده، شعر موعظه‌ها و ماده تاریخ‌ها عرضه داشته و موسیقی هم برای آن که از دیگر هنرها باز نماند در صدای موزن و بانگ قاری و واعظ مجال جلوه‌گری یافته است. بدین‌گونه مظاهر گوناگون فرهنگ و هنر اسلامی در طی قرن‌های دراز چنان در بنای مسجد مجال ظهور یافته است که یک مورخ می‌تواند از مطالعه‌ی در مساجد تصویر روشن‌بینی از تمدن و تاریخ اقوام مسلمان عالم را پیش چشم خویش مجسم کند. جهت مساجد و محراب آن‌ها که بیشترین بار تزئینات را دارد، به سمت مرکز واحد یعنی کعبه است. کعبه نیز هم مرکز است و هم اصل. حقیقت توجه به نقطه‌ای یگانه در نماز، در یگانگی خویش، همانند مرکز هر یک از عوالم و نشانگر همسویی اراده‌ی انسان با اراده کلی عالم است (Mahjur, 1998, p. 37).

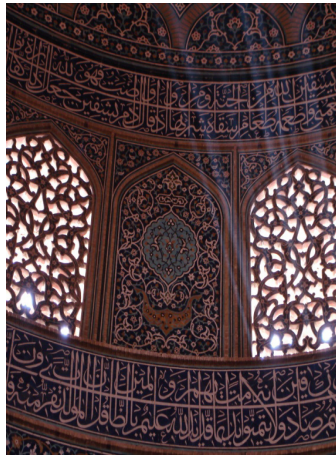
در جریان شناخت شاخص‌های مرکزیت می‌توان به این نکته پی برد که شاخص‌های مرکزیت دو گونه هستند: همان‌گونه که در نمودار ۱ نیز قابل مشاهده است، شاخص‌های مفهومی مرکزیت و شاخص‌های نمادین مرکزیت. شاخص‌های مفهومی در درون آدمی به وقوع می‌پیوندد؛ یعنی شاخص‌هایی هستند که به دیده نمی‌آید، بلکه تحول را در درون بیننده اثر ایجاد می‌کنند. ولی شاخص نمادین، که واضح و روشن هستند؛ یعنی این که به محض ورود به مسجد، این شاخص با اثرشان در فرد بیننده مرکزیت را القاء می‌کنند.

نمودار ۱: عوامل شکل‌دهنده به مرکزیت (شاخص‌های مفهومی و نمادین مرکزیت)



**الف- نور:** در اسلام مرکز با عقل و نور به عنوان نقطه‌ای غیر قابل تبدیل به ماده و اندازه ناپذیر معرفی شده است. به همین دلیل معماران همواره در تلاش بوده‌اند که تجلی و تلالو نور را در مرکز به منصفه بروز برسانند و بدان وسیله ماده‌زدایی را جهت تأویل آن جهانی بودن و گستره بی‌پایان فضا به نمایش بگذارند. نور در مرکز خود امری الهی را می‌نمایاند، چنان‌که در قرآن نیز آمده: «لله نور السموات و الارض» (Taghvaei, 2007, p. 47). در درون نیز مسجد، شبیه به نور است که معمار برای این شبیه‌سازی از صور مادی بهره گرفته و تجلی نور را در کالبد بنا با استفاده از عناصر و صورت‌های مادی شکل داده است. نور در فضای مسجد به صورت‌های متفاوت جلوه‌گری می‌نماید که در صورت نیاز به روشنایی، از فضای زیر گنبد شاهد روزه‌های هستیم که این نورگیرها نور روشنایی را بر فضای گنبدخانه می‌تابانند و تمرکز لازم را پدید می‌آورند (تصویر ۱). پروفیسور پوپ در مورد نور کاملاً عملکردی اظهار نظر کرده است: «در مساجد کمی روشنایی نقطه‌ای ضعیف جدی به‌شمار نمی‌آید زیرا نور همیشه از پشت سر جماعت می‌تابد و بر روی محراب و امام تمرکز می‌یابد».

تصویر ۱: مسجد شیخ لطف الله (ورود نور از زیر گنبد)



ب- **خلاء (فضای تهی و احساس تهی بودن):** بعضی از محققین بر این معتقدند که احساس ساده و تهی بودن مسجد، که از یک سو از فقر معنوی و از سوی دیگر از حس حضور «روح خدا» ناشی می‌شود. خلاء و تهی بودن گرچه به تعبیری وجود ندارد (و خصیصه‌ای سلبی است)؛ با این همه حس حضور روح خداوندی را در دل زنده می‌کند وقتی کسی وارد یک مسجد می‌شود، همین تهی بودن و سادگی فضا توجه را به سوی پروردگاری که به چشم ظاهر نمی‌آید جلب می‌کند. کما این که تجربه تماس با زمینی که تنها با پای برهنه بر آن می‌توان راه رفت، نیز همین تجربه را مکرر می‌سازد.

ج- **درون‌گرایی:** در آیین‌های شرقی عقیده بر این بوده است که انسان وقتی به مرکز وجود خودش رسوخ می‌کند و ذهنش متوجه مرکز می‌گردد، دیگر امواج ذهنی او خاموش می‌گردد و تفکری یکپارچه و ثابت بر وی مستولی می‌گردد که مراقبه و شهود و وصل پی‌آمد آن می‌باشد. در این حالت زیبایی حاصل نیز در همان مرتبه وجودی، حقیقت را می‌نماید. این نقطه آغاز و نقطه مرکزی به نظر شایگان همان \_ماندالا\_ است که مقر حکومت و جلوس نیروی خداوندی و معبد الهی در درون انسان است (Taghvaei, 2007, p. 47). همچنین به نظر برخی درون‌گرایی مفهومی است که به صورت یک اصل در معماری ایران وجود داشته و با حضوری آشکار، به صورت‌های متنوع، قابل درک و مشاهده است. درون‌گرایی در جستجوی حفظ حریم محیطی است که در آن شرایط کالبدی با پشتوانه‌ی تفکر، تعمق و عبادت به منظور رسیدن به اصل خویش و یافتن طمانینه خاطر و آرامش اصیل در درون به نظمی موزون و متعالی رسیده است. توحید در فضای درون‌گرا نشانگر حرکت از آفاق به انفس و حرکت به سوی حق تعالی را نقش می‌زند.

د- **سکون و آرامش:** در این زمینه نصر (Nasr, 1996) معتقد است که در فضای مسجد سکون و آرامش آن متجلی‌کننده حضور آرامش بخش «کلمه الله» است که در همه جای مسجد طنین دارد و تقسیم‌بندی موزون فضا به مدد قوس‌ها و ستون‌ها نیز همتای اوزان هستی کیهانی است که مراحل زندگی انسان و نیز عالم هستی را مشخص می‌دارد، که هر دو از پروردگار صادر شده‌اند و طبق این آیه قرآن که فرمود: «انا لله و انا الیه راجعون» (بقره: ۱۵۷) به سوی او نیز بازخواهند گشت.

ر- **دایره:** دایره کامل‌ترین شکل هندسی است و از هر جهت نسبت به مرکز قرینه است. دایره رمز بی‌کرائگی-روح لایتناهی عالم-وحدت تقسیم‌ناپذیر مبدا اعلی-گردش آسمان و تصویری از ابدیت است. دایره مهم‌ترین صورت رمزی برای تجسم امر وحدت و یکپارچگی در نظام عالم هستی است. وحدت نظام هستی رمز تجلی ذات الهی در پیکر عالم است. وحدت در کثرت، یعنی گذار از وحدت بسیط و نامتکثر و صورت هندسی دایره همراه با اشکال هندسی منتظم محاط در آن و یا چند وجهی‌های منتظم محاط در یک کره کامل‌ترین صورت را برای بیان این مفاهیم فراهم می‌آورد (Akbari et al, 2020, p. 14).

نقطه در مرکز دایره، دربردارنده تمامیت و یکپارچگی شعاع‌ها و خطوطی است که از مبنایی مشترک و هماهنگ با یکدیگر نشأت می‌گیرند. تمامیت و یکپارچگی این خطوط در این نقطه مرکزی در اوج کمال خویش است. تیتوس بورکهارت معتقد است: «دایره خود نقطه‌ای است گسترش یافته و نقطه رمز مطلق یا جوهر اعلی است» (Burckhardt, 1976, p. 87). دایره نماد آسمان، بی‌کرائگی، کمال و تمامیت است و گنبد دوار نماد آسمان و مقصد عروج روح انسان نمازگزار است (Bolkhari, 2006, p. 509).

ز- **تقارن نقطه‌ای:** در معماری مسجد همه چیز در قرینه‌سازی خاصی غوطه‌ور است و شالوده فضا را نوعی ذوق قرینه‌سازی ملایم پدید آورده است و از آن جایی که هر تقارن- به ویژه تقارن نقطه‌ای- مرکزیتی را القاء می‌کند: موقع مشاهده، در محل تلاقی خطوط و اصل قرینه، در وسط مسجد، زیر گنبد بلند به نقطه و مرکزیتی نامشخص می‌رسیم که



مکان محور قائم مرکز گنبد است. توجه به مکان مرکزی و به نقطه واحد محوری، بیشتر در کیفیت عبادات مسلمانان و روکردن آن‌ها به یک قبله‌ی واحد در هنگام زیارت مکه و طواف خانه خدا، همچنین موقع برگزاری آیین‌های مذهبی به چشم می‌خورد. این مرکزیت واحد موجب وحدت و یکپارچگی عبادی کل مسلمین جهان می‌شود و به آنان سمت و سوی یگانه می‌بخشد (Ahmadi Maleki, 2000, p.126).

**س- محور عمودی:** خداوند در دومین آیه از سوره رعد می‌فرماید: «اللّٰهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرْوٰنَهَا» بدان معنی که این عمود طبقات آسمان وزمین را از یکدیگر جدا می‌سازد و نگهدارنده‌ی طبقات آسمان است، به‌طوری که در یکدیگر تداخل نمایند و چون واسطه و محوری عمودی ایجاد اتصال و ارتباط میان قلمروهای آسمانی و زمینی می‌کند. طبق این آیه شریفه توجه به محوریت عمودی که حول یک مرکز به فضاها انسجام می‌بخشد، از جمله ساختارهای نظام فضایی عالم می‌باشد مرکز با تمثل به محور عمودی، سیر صعودی به مراتب اعلی را محقق می‌سازد. به همین دلیل جهت عمودی همیشه به‌عنوان بعد فضای تقدس تلقی شده است (Taghvaei, p.48). بنابراین در فضای مرکزی گنبدخانه‌ها می‌توان در جستجوی یک محور عمودی فرضی بود.

**ص- کره:** گنبد و شکل کروی آن در عین حال که به مثابه سقفی، فضای درون را از گرما و سرما حفظ می‌کند، نماد گنبد آسمان و مرکز آن و نماد محور جهان نیز به‌شمار می‌رود که تمام مراتب وجود را در عالم هستی با پروردگار یکتا مربوط می‌سازد (Mahjur, 1998, p.36).

تصویر ۲: مسجد شیخ لطف الله (نمای زیر گنبد مسجد شیخ لطف الله)



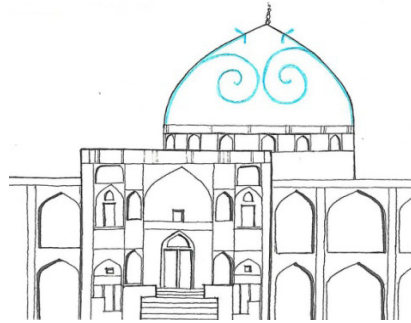
#### ۴. بررسی شاخص‌های شکل دهنده مرکزیت از طریق گنبد

بعضی از شاخص‌های ذکرشده برای مرکزیت در بنای مساجد را می‌توان برای گنبد نیز به حساب آورد که عبارتند از:

۱. درون‌گرایی ۲. دایره ۳. تقارن نقطه‌ای ۴. محور عمودی ۵. کره ۶. رنگ سرد و بدون تلالو

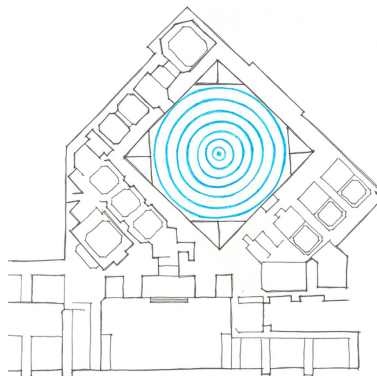
**الف- درون‌گرایی:** این شاخصه توجه کردن هر چیزی به درون و باطن خود است، این توجه در واقع به نوعی نگرش به نقطه‌ای اصلی وجود است. منظور از نقطه اصلی همان مرکزیت است، این گونه اثبات شده است که هر عنصری که درون‌گرایی دارد، مرکزیت هم در آن اتفاق می‌افتد، برای مثال در معماری عنوان می‌شود در مناطق گرم و خشک ایران در خانه‌های مسکونی درون‌گرایی یکی از شاخصه‌های این بناهاست، می‌توان به جرأت بیان کرد که در همین خانه‌ها مرکزیت هم برقرار می‌باشد، مرکزیت آن‌ها را می‌توان به حیاط آن‌ها نسبت داد که به عنوان یک فضای ارتباط‌دهنده عنوان می‌شود و در نقش مرکزیت هم عمل می‌کند. اشکال اسلیمی را می‌توان مثالی از این نوع شاخص در نظر گرفت. حرکت آن‌ها به گونه‌ای است که حس درون‌گرایی را القا می‌کند، با دقت در تصویر ۳ مشاهده می‌کنیم که در صورت ادامه پیدا کردن حرکت دورانی اسلیمی‌ها در نهایت به یک نقطه مرکزی خواهند رسید؛ پس حرکت آن‌ها هم به نوعی نشان‌دهنده مرکزیت است. در گنبدها نیز وضعیت به همین منوال است. به نظر می‌رسد که حرکت منحنی گنبدها بسیار شبیه اسلیمی است؛ یعنی امتداد همان حرکت است که مرکزیت تداعی می‌شود.

تصویر ۳: نمای مسجد شیخ لطف الله (درون گرایی و القای مرکزیت)



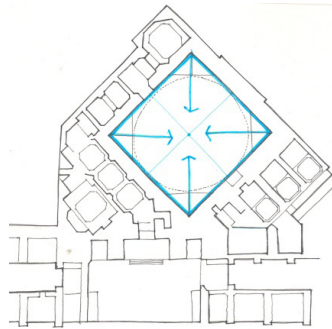
**ب- دایره:** در تصویر ۴ قابل ملاحظه است که شکل هندسی دایره و ایجاد حلقه‌های دایره‌وار در همدیگر همان سیر و سلوک به مقصد اعلا و رسیدن به نقطه‌ای مرکزی (هدف اصلی از سیر عالم کثرت و رسیدن به وحدت) را نشان می‌دهد. تشبیهی که برای این نوع شاخص می‌توان ذکر کرد این است که در هنگام فرو افتادن سنگی در آب دوایری ایجاد می‌شود که این دوایر خود به سمت مرکزیتی در حرکتند، برای تطابقت این تشبیه با موضوع می‌توان عنوان کرد که حرکت به سمت مرکز که باعث ایجاد نقطه‌ای مرکزی می‌شوند همانند انداختن سنگی (نقطه مرکزی گنبد) در دل آب (آسمان آبی و آرام) که همان نقطه در دل آسمان مرکزیت را ایجاد می‌کند.

تصویر ۴: پلان مسجد شیخ لطف الله (حلقه‌های دایره‌وار در پلان و القای مرکزیت)



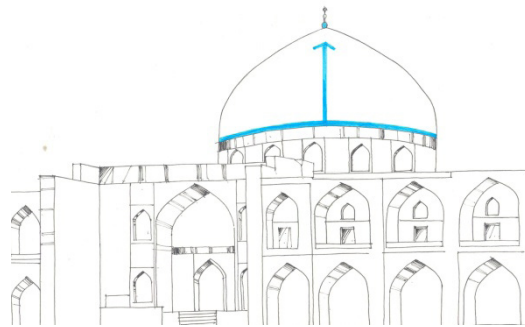
**ج- تقارن نقطه‌ای:** در تصویر ۴ مشاهده می‌شود که از چهار گوشه پلان به سمت مرکز عناصری در حرکت هستند، در این حرکت مقصود رسیدن به نقطه مشخص (همان مرکزیت) است. می‌توان این حرکت را چنین تعبیر کرد که هر گوشه از این شکل هندسی نماینده‌ی ۲ ضلع مجاورش است که به سمت مرکز حرکت کند، در نهایت این ۴ نقطه که به سمت هدف و مقصود اصلی در حرکت‌اند به یک نقطه تبدیل می‌شوند، این سیر حرکت به نوعی کثرت به وحدت را نیز عنوان می‌کند این جریان را می‌توان مشابه همان داستان ۳۰ مرغ دانست که تعدادی از آن‌ها به طرف هدف اصلی (نقطه مرکزی) که همان سیمرغ بود در حرکت بودند که تعدادی از آن‌ها به‌عنوان نماینده (نظیر ۴ نقطه در گوشه) باقی ماندند و با حرکت به سمت هدف خود تنها آن‌ها بودند که باقی ماندند یعنی آن سی مرغ همان سیمرغ هدف بودند که به نقطه مرکزی رسیدند.

تصویر ۵: پلان مسجد شیخ لطف الله (تقارن نقطه‌ای و القای مرکزیت)



د- محور عمودی: در جریان شاخص محوریت نوعی حرکت از زمین (مکانی پست و کم‌ارزش) به آسمان (مکانی ماورائی) داریم- حرکت از کثرت به وحدت- مثال هماهنگ با این زمینه صعود به کوه است، در حرکت از دامنه و پهنه گسترده کوه (کثرت) به قله کوه (وحدت) داریم، این مثال به روشنی بیانگر مرکزیت است که در گنبد هم قابل مشاهده است، یعنی اگر شکل هندسی گنبد را مانند شکل کوه تصور کنیم متوجه می‌شویم که حرکت از کثرت به وحدت (مرکزیت) را دارا می‌باشد و همزمان با آن یک محور عمودی پنهان قابل تصور است، به نوعی این حرکت در راستای این محور صورت می‌گیرد یعنی، محور عمودی خود القاء کننده‌ی مرکزیت است (تصویر ۶).

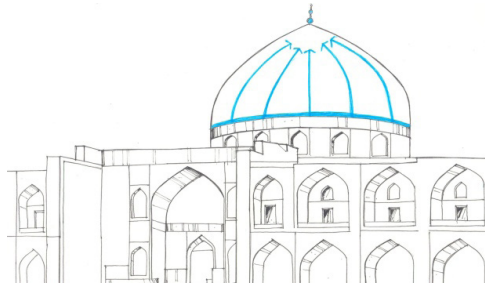
تصویر ۶: نمای مسجد شیخ لطف الله (محور عمودی و القای مرکزیت)



ر- کوه: شکل هندسی بیشتر گنبدها با کروی شکل است، در نیم‌کره حرکت از پایه گنبد شروع می‌شود و در نوک گنبد خاتمه می‌یابد (تصویر ۷) در این نمونه شباهتی با مرکزیت از طریق محوریت عمودی دیده می‌شود: این که در هر دو از پایه گنبد (حرکت از کثرت) به نوک گنبد (به سمت وحدت) حرکت نمادینی اتفاق می‌افتد، با این تفاوت که در محوریت عمودی همه‌ی نقطه‌ها در مرکز دایره واقع در پایه گنبد تمرکز می‌یابند و به نقطه‌ای واحد تبدیل می‌شوند، آن‌گاه این نقطه است که به سمت ماوراء در حرکت است، ولی در شاخصه شکل هندسی کوه همه اجزاء در جریان حرکت سهیم هستند، یعنی همگی با همدیگر از پایه گنبد حرکت را شروع می‌کنند، تمام نقاط به طور یکسان و در یک درجه قرار دارند و این همه نقاط هستند که به مقصود اصلی و با این اتفاق وحدت صورت می‌گیرد، به عبارتی همان مثال کوه در بحث گذشته برای این مبحث نیز قابل صدق است، یعنی رفتن به سمت قله کوه (مرکزیت) از هر طرف کوه هیچ خدشه‌ای به هدف وارد نمی‌کند، در گنبد نیز همین اتفاق رخ می‌دهد یعنی حرکت از هر طرف (البته با هدف مرکزیت) در پایه‌ی گنبد صورت بگیرد در نهایت نیز رسیدن به همان مقصود امکان پذیر است.



تصویر ۷: نمای مسجد شیخ لطف الله (شکل هندسی کره و القای مرکزیت)



ز- رنگ سرد و بدون تالو: این رنگ در دیواره‌ی بیرونی گنبدها نقش بارزی را ایفاء می‌کند. توجه به این گونه رنگ‌ها تصور عقل و توجه به روح را به وجود می‌آورند. به طور کلی رنگ سرد توجه انسان از لحاظ مادی به خود جلوگیری می‌کند و این مهم عاملی برای توجه بیشتر انسان به مسائل معنوی و ماورائی می‌شود که در پی آن توجه به توحید و زنده کردن یاد خدا را در دل (که همان هدف اصلی است را) به دنبال دارد. کاربرد این رنگ در پوسته بیرونی گنبدها، عاملی است که باعث می‌شود مخاطب با نگاه به آن از توجه به خود (جسم مادی) غافل و توجهش به مسائلی ماورای این دنیای مادی معطوف شود.

منظور از رنگ سرد همان رنگ آبی است، آبی که یادآور آسمان است، با نگاه به این رنگ درون‌گرایی القاء می‌شود. در آسمان آبی ممکن است پرندگانی عبور کنند، ابرهایی در آن قرار داشته باشند و غیره. به چیزی که باید توجه داشته باشیم؛ این است که هر چیزی که در آسمان باشد باز به همان رنگ اصلی در زمینه توجه خواهیم کرد. یعنی این مسائل تأثیری در نوع نگاه و نتیجه حاصل از آن (درون‌گرایی و به دنبال آن مرکزیت) ندارد؛ اگر عنوان شود که گنبد همان نماد آسمان است پس رنگ آبی (سرد و بدون تالو) که در آن به کار رفته همان حس آسمان را القاء می‌کند، حال اگرچه در این رنگ آبی گنبد (همانند آسمان) عناصری نظیر گل و به ته و اسلیمی‌ها (در نقش پرندگان و غیره) وجود داشته باشد. اما مطلب مهم این است که از توجه به رنگ اصلی و آبی گنبد کاسته نمی‌شود به عبارتی با نگاه به آن درون‌گرایی (در اثر رنگ آبی و عدم توجه به جسم مادی) و در پی آن مرکزیت حاصل می‌شود.

ارزیابی شاخص‌های شکل‌دهنده به مرکزیت در برخی از گنبدهای مساجد

هر یک از مسجدهای نام برده شده در جدول زیر بر اساس شاخص‌های مشخص شده، به دقت مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. نوع و تکنیک کاربرد شاخص‌ها در آن‌ها در جدول ۱ علامت‌گذاری شده است. بررسی آثار مورد نظر را به صورت جدولی در زیر می‌توان مشاهده کرد:

جدول ۱: ارزیابی شاخص‌های مرکزیت در ۷ گنبد

ردیف	نام بنا	شاخص‌های مرکزیت گنبد					
		درون‌گرایی	دایره	تقارن نقطه‌ای	محور عمودی	کره	رنگ بدون تالو
۱	گنبد امام اصفهان	+	+	+	+	+	+
۲	گنبد شیخ لطف‌الله	+	+	+	+	+	--
۳	گنبد جامع یزد	+	+	+	+	+	+
۴	گنبد آقابزرگ	+	+	+	+	+	--
۵	گنبد اردستان	+	+	+	+	+	--
۶	گنبد جامع ساوه	+	+	+	+	+	+
۷	گنبد جامع زواره	+	+	+	+	+	--

## ۵. جمع‌بندی

با استناد به اهمیت توحید در اسلام، دریافت و فهم کیفیت و چگونگی تأثیر این مهم در معماری اسلامی می‌توان دریافت که از آن جایی که معماری اسلامی برگرفته از زبان قرآن است، به گونه‌ای غنای تمدن در آثار معماری اسلامی با روح معنویت خود را نشان می‌دهد. اندیشه زیبایی‌شناسی دین اسلام در معماری با اعتقاد به توحید و ایمان به تعالیم مربوطه تجلی می‌یابد و این دین اسلام و توحید است که تمامی آثار معماری را با تفاوت‌های ظاهری و باطنی در مجموعه‌ای در کنار هم جمع می‌کند و به آن‌ها وحدت و هماهنگی خاصی می‌بخشد و موجب آن می‌شود که همه این آثار را بتوان به یکپارچه و هماهنگ یافت.

در رابطه با چگونگی نقش معماری گنبد در شکل دهی به مرکزیت معماری مساجد، با بررسی جنبه‌های گوناگون گنبد مسجد شیخ لطف الله شاخص‌هایی در نظر گرفته شد که عبارتند بودند از: درون‌گرایی، دایره، تقارن نقطه‌ای، محور عمودی، شکل هندسی کره و رنگ سرد و بدون تلالو گنبد. هر کدام از این شاخص‌ها به گونه‌ای (و با تفاوت‌هایی) نقش مرکزیت را در گنبد به‌خوبی ایفاء می‌نمایند. با بررسی شاخص‌های مورد نظر بر روی تعدادی از گنبد‌های مساجد می‌توان بیان نمود که در زمینه درون‌گرایی، دایره، تقارن نقطه‌ای، محور عمودی و شکل کره تقریباً کل گنبد مساجد مورد بررسی دارای این شاخص‌ها بوده و در زمینه داشتن رنگ سرد و بدون تلالو ۴۲ درصد گنبد‌های بررسی شده از این شاخص بهره‌مند هستند. با توجه به این‌که در اکثریت گنبد‌های بررسی شده این شاخص‌ها عواملی موثر برای شکل دادن به مرکزیت در بنای مساجد بوده‌اند، می‌توان تأثیرگذاری شاخص‌هایی مانند: درون‌گرایی، دایره، تقارن نقطه‌ای، محور عمودی، شکل هندسی کره و رنگ سرد و بدون تلالو را بر گنبد‌های مساجد نتیجه گرفت.

تصویر ۹: گنبد مسجد شیخ لطف الله



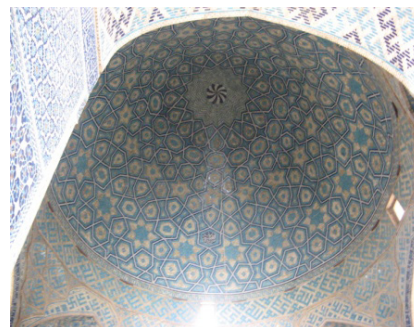
تصویر ۸: گنبد مسجد امام اصفهان



تصویر ۱۱: گنبد مسجد جامع ساوه



تصویر ۱۰: گنبد مسجد جامع یزد



تصویر ۱۳: گنبد مسجد آقا بزرگ



تصویر ۱۲: گنبد مسجد جامع زواره



## References

- Ali Abadi, Mohammad. (2007). Eternal Geometry in Islamic Architectural. *International Journal of Industrial Engineering and Production Management*, 5( 18), 12.
- Ardalan, Nader; Bakhtiyar, Laleh. (2001). *The Sense of Unity* (first edition). Tehran: khak publication.
- Aghcheloo, Fateme . (2008). unity expression in Jame' mosques of Iran in teymurid age Iran-Afghanistan-Uzbekistan. *Mahe Honar*, 120, 16.
- Al-As'ad, Mohammad. (1997). geometry application in mosques' architecture. (Sa'id Sa'id Poor, trans.), *Honar Monthly*, 33, 13.
- Akbari, Fateme., Poor Namdariyan, Taghi., Shirazi, Ali Asghar., Ayat Allahi, Habib Allah. (2010). Spiritual Wisdom and Geometrical Codes. *Persian Language and Literature Research quarterly*, 13, 22.
- Ahmadi Maleki, Rahman. (2000). Centralization In Classic Buildings. *Honar Nameh*, 5, 8.
- Bemanian, Mohammad Reza. (2007). *approaches in expressing muslim architecture*. Tehran: Iran Municipalities and Rural Management Organization.
- Bemanian, Mohammad Reza. (2007). The Study of God central Role about Moslems Architecture. *International Journal of Industrial Engineering and Production Management*, 5(18), 8.
- Burckhardt, Tito. (1976). *Art of Islam: language and meaning*. (Masoud Rajabnia, Ttrans.). Tehran: Soroush publications.
- Bolkhari Ghahi, Hasan. (2006). *The cosmologic position of Circle and Square in Islamic sacred Architecture*, Third congress of the History of Iranian Architecture and Urbanism, April 2006, (Pp14-19). Tehran: ICHHTO.
- Bolkhari Ghahi, Hasan. (1973). The expression of Unity and multiplicity in Islamic Architecture. *Kayhan havaee publications*, 2, 2.
- Haji Ghasemi, Kambiz. (1996). *Relics of Islamic Architecture of Iran Anthology*. Tehran: Shahid Beheshti University, Architecture and Urban Planning faculty, Archive and Architectural Research Center, Development of Cultural Spaces Center.
- Kabir, Yahya. (2006). Pantheism from the viewpoint of Wisdom and Spirituality. *Journal of Philosophy of Religion*, Second year, 1, 21.
- Kazemian, Seyed Taghi. Existence philosophy of Dome and minarets in Mosques. *Journal of Panjere* , 5, 4.
- Koel, Ernest. (1997). *Islamic Art, translated by Ya'ghub Azar*. Tehran: Molawy publications.
- Genon, Rene. (2002). Dome's Symbolic Meanings. (Farzi Far Danesh trans). *Khiyal quarterly*, 4, 6.
- Linda Groat & David Wang. *Architectural Research Methods*. (Ali Reza. Einifar, trans.). Tehran, Publication of Tehran University, 2002.
- Mahjur, Firoz. (1998). Unity manifestation in Islamic Art and Architecture. *Keihan-e Farhangi publishing*, 150, 3.
- Mahdavinejad, Mohammad Javad. (2004). Wisdom of Islamic architecture: Recognition of Iranian Islamic Architecture Principles. *Fine Art magazine*, 19, 10.
- Mohammadi Nejat, Mohammad Reza. (1998). a reflection in designing spiritual spaces in current architecture. *Visual Arts magazine*, 4, 10.
- Mojabi, Seyed Mehdi. (2007). The Morphology of Iran's Traditional Architecture. *International Journal of Industrial Engineering and Production Management*, 5( 18), 7.
- Mas'udi, Mohammad Hosseyn. (2004). compiling and perceiving the space melody. *Soffeh*, 13th year, 37, 12.
- Nasr, Seyed Hosseyn. (1996). *Islamic art and spirituality*. (Rahim Ghasemiyan ,trans). Tehran: Soore publications.
- Rahnavard, Zahra. (1999). *The Islamic Art Wisdom*. Tehran: Samt publications.
- Rahbariyan, Mina. (2002). Architectural Features of the Mosques in Iran. *Masjed monthly*, 65, 5.
- Rezaee, Mehdi. (2007). Unity of existence from Joneid-e Baghdadi's point of view. *Journal of Religion & Mysticism*, 13, 33.
- Soltanzadeh, Hossein. (1387). Earth, Geometry and symbolism in Iranian Architecture. *Journal of architecture and culture*, 33, 8.
- Shekari, Javad. (2002). Mosque Architecture in Islamic System. *Masjed monthly*, 63, 4.
- Shariatmadari, mohammad Taghi. (2005). Unity from Quran and Nahj's viewpoint. *Journal of Safineh*, 5, 16.
- Tabasi, Mohsen., Shadnejad, Afsaneh., Kashizade Moghadam, Farnaz. (2009). Sacred Geometry, Metaphor of the World Order. *Payam-e Mohandes publication*, Nine years, 45, 3.
- Taghvaei, Vida. (2007). Spatial Order of Iranian Architecture and Its Structure. *Fine Art magazine*, 30, 10.
- Taheri, Habibolah., Taheri, Mohammad Hossein. (2009). Doctrine of monotheism in Abrahamic religions, *Journal of philosophy of Religion*, Sixth year, 2, 24.

- Tahouri, Nayer. (2008). *Manifestation of religious beliefs and mystical concepts in Iranian traditional architecture and urbanism*. A collection of the papers from the first and second architecture conference, Isfahan: Razavi publications.